

عزیزترینم، حدیث قشنگم، زیباترین چیزی که توی این یکسال و کل این سالها برام برام اتفاق افتاد تو بودی، امروز روزیه که تو متولد شدی و روزیه که من برای اولین بار این جرات پیدا کردم که بهت اولین کادو رو بدم، از اون روز یکسال میگذره و نمیدونی چقد خوشحالم که اون روز این جرعت و کردم 🥰❤

این پیام و میزارم روی پیام خودکار و تایمشو میزارم ساعت 11:59 دقیقه تاریخ 4/4/1405 دقیقا یکسال از آشناییمون گذشت 😊😊 هنوز نمیدونم چه برنامه‌ای برای تولدت چیدم چون امروز یعنی ۲۰ دی اینترنت قطعه و من این پیامو داخل نوت گوشیم دارم مینویسم و تا وصل شد برات میفرستم، دلم خیلی برات تنگ شده و کلی پیامت دادم توی ایپتا تا اینترنت و باز کنن، به خبری ازت بگیرم حتی شده به سلام، آخه دلم برات تنگ شده، نه همیشه زنگ زد نه همیشه پیام داد کاش زود تموم شه این اوضاع... ولش کن نمیخوام از حال بد و شرایط بگم، گفتنش و فکر کردن و هم زدنش اینترنت و خطارو وصل نمیکنه، سری قبل که اینجوری شد یادمه اومدی پیام دادی تو واتساپ، کاش یهویی میومدی از ججا پیام میدادی الان، اونوقت دست داداشای کارما رو میبوسیدم من بخدا!!!! 🥰

الان یکی از چیزایی که حالمو خوب میکنه اون روز که رفتیم فرهنگ و هنر و برای اولین بار سرت و گذاشتی روی شونم توی مترو، عکس گرفتیم و زیباترین نقاشی‌هایی که میتونستی با نامهات برام کشیدی و آوردی و نمیدونی چقد دلم لرزید اون موقع پس میخوام همونجور که گذاشتی بخشی از دنیات باشم بزارم بخشی از دنیام باشی و عاشقانه دوستت داشته باشم درکنار همه‌ی سختی‌ها، پس روز تولدت یکی از زیباترین روزهایی که من و تو در کنار هم هستیم، یعنی الان تو این لحظه تو به چی فکر میکنی...

چه بزن برقصی بشه ولی 🥰🥰

به احتمال زیاد چنتا گربه رو به خاطر خوش یمن بودن برات فرغونی کنم اصلا غصه نخور همه چی هماهنگ شده اس 🥰🥰

بعد اینجوری بندری یه چنتا قر ریز بدم 🚶🚶

بعد توام اینجوری بیفتی دنبالم که بیا اینجی که تیکه بزرگت گوشته، حالا دیگه قر میدی تو ملا عام چشمم روشن 🚶🚶 ↔️ 🚶🚶

منم اینجوری برات زبون در میارم و فلنگ و میبندم 🥰🥰 🚶🚶

بعد میام بجوری بغلت میکنم که باز دوباره بیفتی دنبالم 🥰🥰🥰

هنوز خجالت میکشم بغلت کنم راستش ولی به خودم قول دادم که روی خط قرمزات پا نزارم پس فقط دستت و میگیرم این چیزا خیلی جلومو میگیره که بهت نزدیکشم امیدوارم سردی برداشت نکنی، چون میدونم چقد حساسی مثل گل رز توی شازده کوچولو 🥰)

میدونم بدت میاد از کیک تولد و اینا پس یکم کارم سخت میشه، ولی امروز روز خاصیه برای من پس برات میخوام سنگ تموم بزارم حدیث جونم 🥰🥰

راستی، نمیدونم یادت مونده یا نه ولی اون روز یه برگ از درخت افتاد و گفتم بهم سریع یه آرزو کنم و بهت گفتم نمیگم ولی می نویسمش پشت نامه‌ای که بهم دادی و تا برآورده شد بهت میگم، باید بگم الان که روز تولدته برآورده شده و تو شدی جزعی از زندگی من، که معنایی دادی به تک تک روزهام، تلاشام، دست و پا زدنم، به همه چیزم معنا دادی، معنا دادی بهم که توی هر سختی و مشکلی یکی هست که میتونم سرم و بزارم روی شونش و برای چند ثانیه هم که شده از بودنم لذت ببرم، منم دوست دارم برای تو اینجوری باشم، مرسی که با همه‌ی سختی‌ها و ترس‌هایی که میگذرونی پیشمی 😊، چون میدونم خیلی داری صدتو میزاری عزیزم و من تک تکشو میبینم قریون اون چشای قشنگت برم، شاید چیزی نگم ولی تک تکشونو میبینم و برا تک تکشون ارزش قائلم عزیزدلم 🥰❤

مطمئنم اینا رو روز تولدت هزار برابرشو بهت میگم ولی خواستم این حسمو الانم بنویسم و دیگه نیام سراغش 😊🥰

یه متن خیلی قشنگ خوندم... نوشته بود:

((مرا چه پروای گل و درخت، آتش و سنگ،

اگر بی عشق و بی خانمان باشم! باید دو نفر بود.

یا دست کم، افسوس، باید دو نفر بوده باشیم،

تا آسمان آبی را فهم کنیم، تا طلوعی رو را نام نهم.))

مواجه با دیگری یعنی تکان خوردن و آشفته شدن.

دو هستی با هم تماس میانند، به هم برمیخورند و می بینند مسیرهایشان تغییر کرده است.

پس مرسی که نفر دومی هستی برای من و تولدت مبارک، دنیای من، همه وجودم، خانم خوشگل، هنرمند، پرتلاش، حساس، منظم و به شدتت با فکر و الیخصوص وزه 🥰❤️

برات از الان و برای هر تپش قلبت، برای هر باری که پلک میزنی روی اون چشمای قشنگت که میشه توشون دنیاها رو سیر کرد، برات ارزوی موفقیت دارم، ارزوی بهترین بهترینها و منتظر میمونم تا روز تولدت برسه و بهت بگم از اعماق قلبم زیر اون تیکه پاره های سیاه چیزی هست و کسی هست که به بودن افتخار میکنه و بگم اون تیکه پاره ها دیگه وجود ندارن چون معنایی پیدا کردن، معنایی برای التیام و جنگیدن، معنایی به زیبایی و قدرتمندی حدیث... ✨❤️

دوست دارم به توان عمق کهکشانش 🌟❤️